

ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن

در آموزه های معصومین علیهم السلام

تألیف:

علی کریمی خوشحال

با دیباچه ای از

محمود جمال الدین زنجانی

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com
فروشگاه اینترنتی:
www.ketabesadiq.ir



ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن در آموزه‌های معصومین (ع) ■ مؤلف: علی کریمی خوشحال
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ نما: ساری: رضا دیا ■ چاپ اول: ۱۳۹۲ ■ قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۲۹۴-۸

همه حقوق محفوظ و منطبق به ناشر است.

سرشناسه: کریمی خوشحال، علی، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور: ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن در آموزه‌های معصومین
علیهم السلام / علی کریمی خوشحال.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۴۰۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۲۹۴-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
پادشست: کتابخانه.
موضوع: قرآن - احکام و قوانین
موضوع: تفاسیر فقهی - شیعه
موضوع: فقه جعفری - قرن ۱۴
شماره افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ق۹/ک۳۶/۶/۹۷۸
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۳
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۳۷۵۰۶

فهرست مطالب

۱۱		سخن ناشر
۱۵		دیاچه
۱۹		مقدمه
۱۹		۱. تعریف مسأله
۲۱		۲. ضرورت و پیشینه تألیف
۲۲		۳. سؤالات تألیف
۲۳		۴. فرضیه‌ها
۲۳		۵. روش انجام تألیف
۲۵		بخش اول: کلیات
۲۷		فصل ۱: آیات الاحکام، تعریف و کتاب‌های تألیف شده در آن
۲۷		۱. تعریف آیات الاحکام
۲۸		۱-۱. آیات
۲۸		۱-۱-۱. آیه در لغت
۲۹		۱-۱-۲. آیه در قرآن و اصطلاح
۳۲		۱-۱-۳. زمینه‌های کاربردی شناخت آیه در فقه
۳۲		۱-۱-۴. محدوده آیه
۳۵		الف. نقد و بررسی نظرات
۳۷		۱-۲. احکام

۳۷	۱-۲-۱. حکم در لغت
۳۷	۲-۲-۱. حکم در اصطلاح
۳۹	۳-۲-۱. اقسام حکم
۴۰	۴-۲-۱. مراتب حکم
۴۰	۳-۱. نتیجه‌گیری
۴۱	۲. کتاب‌های تألیف شده در زمینه آیات الاحکام
۶۸	پی‌نوشت‌ها
۷۷	فصل ۲: ائمه اطهار علیهم‌السلام و نقش شارح بودن قرآن
۷۷	۱. شأن مفسری ائمه معصومین علیهم‌السلام در قرآن
۷۸	۱-۱. آیه مس
۷۸	۱-۱-۱. مس در لغت
۷۹	۲-۱-۱. طهارت در لغت و اصطلاح
۸۱	۳-۱-۱. طهارت اصل واحد اسلام
۸۱	۴-۱-۱. بررسی آیه مس و مفاد حاصل از آن
۸۴	اول. اهمیت طهارت باطنی
۸۶	دوم. راه‌های دستیابی به طهارت
۸۷	سوم. بررسی روایات ذیل آیه مس
۸۹	چهارم. مطهرون چه کسانی هستند؟
۱۰۱	۲. شأن مفسری ائمه معصومین علیهم‌السلام در سنت
۱۰۱	۱-۲. دلالت حدیث ثقلین بر وجوب تمسک به عترت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم
۱۰۳	۱-۱-۲. حدیث «وَسَيُتْبَىٰ» در ترازوی نقد
۱۰۴	اول. بررسی متنی و سندی
۱۰۸	دوم. بررسی شاهد حدیثی حاکم نیشابوری
۱۰۹	سوم. نتیجه‌گیری
۱۱۰	۲-۱-۲. بررسی مفاد حدیث ثقلین
۱۱۵	اول. مدار هم‌بستگی ثقلین
۱۱۶	۳. نتیجه‌گیری
۱۲۰	پی‌نوشت‌ها

فصل ۳: تفسیر ضوابط استنباط.....	۱۴۵
بخش دوم: ضوابط استنباط از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام	۱۴۹
مقدمه.....	۱۵۱
۱. ویژگی های فقه قرآن.....	۱۵۱
۱-۱. عام و کلی بودن.....	۱۵۲
۲-۱. پراکنده گی بیان.....	۱۵۲
۳-۱. انعطاف در بیان.....	۱۵۳
۴-۱. به هم پیچیدگی.....	۱۵۳
۵-۱. به کارگیری لحن های متفاوت.....	۱۵۴
۶-۱. بیان تشویقی و کارکردی.....	۱۵۴
پی نوشت ها.....	۱۵۶
فصل ۴: ضوابط ناظر به حیثیت صدور قرآن.....	۱۵۹
۱. قرآن، کتاب خدا.....	۱۵۹
۱-۱. شیوه های اثبات.....	۱۶۱
۲-۱. احادیث و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام	۱۶۳
۱-۲-۱. أنزل الله القرآن.....	۱۶۳
۲-۲-۱. کلام الله.....	۱۶۳
۳-۲-۱. فصل القرآن من الذكر.....	۱۶۴
۴-۲-۱. عرض القرآن على النبي صلی الله علیه و آله	۱۶۴
۵-۲-۱. روایاتی که دلالت بر نزول قرآن به همین صورت موجود دارد.....	۱۶۵
۳-۱. بررسی روایات.....	۱۶۵
۱-۳-۱. کلام.....	۱۶۶
اول. کلام در لغت و اصطلاح.....	۱۶۶
دوم. اقسام کلام.....	۱۶۹
سوم. تکلم خداوند.....	۱۷۱
۲-۳-۱. خلق قرآن و حدوث و قدم آن.....	۱۷۷
اول. آرای موجود در باب خلق قرآن.....	۱۷۸

۲. مصونیت وحی از خطا و تحریف..... ۱۸۲
- ۱-۲. راه‌های اثبات ۱۸۲
- ۲-۲. نفی امکان وقوع خطا در وحی ۱۸۳
- ۱-۲-۲. ویژگی‌های فرشتگان ۱۸۴
- ۳-۲. نفی امکان ذاتی خطا در وحی ۱۸۸
۳. عصمت رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ۱۹۰
- ۱-۳. معنای عصمت و معصوم ۱۹۰
- ۱-۳-۱. در لغت و اصطلاح ۱۹۰
- ۲-۳. عصمت شرط نبوت ۱۹۳
- ۳-۳. مراتب عصمت ۱۹۵
- ۱-۳-۳. عصمت در تلقی وحی و ابلاغ آن ۱۹۵
- ۲-۳-۳. عصمت از معصیت و گناه ۱۹۶
- ۳-۳-۳. عصمت از خطا ۱۹۸
۴. جاودانگی قرآن و ابدی بودن پیام آن ۱۹۹
- ۱-۴. قرآن، مصون از تحریف ۲۰۲
- ۱-۴-۱. تحریف در لغت و اصطلاح ۲۰۲
- ۲-۴-۱. اقسام تحریف ۲۰۳
- اول. تحریف معنوی ۲۰۳
- دوم. تحریف لفظی ۲۰۴
- ۳-۴-۱. ضرورت اثبات مصونیت و نزاهت قرآن از تحریف ۲۰۷
- ۴-۴-۱. گواهی روایات بر مصونیت قرآن از تحریف ۲۰۹
- اول. حدیث ثقلین ۲۰۹
- دوم. روایات عرضه ۲۱۲
- سوم. روایات مراجعه به قرآن در فتنه‌ها ۲۱۴
- چهارم. روایات تلاوت سوره کامل در نمازها ۲۱۶
- پنجم. روایات فضایل و خواص سوره‌ها ۲۱۸
- ۵-۴-۱. روایات دال بر تحریف ۲۱۹
- اول. نقد سندی روایات تحریف ۲۲۰

۲۲۱.....	دوم. نقد متنی روایات تحریف.....
۲۲۵.....	۲-۴. نسخ در قرآن.....
۲۲۵.....	۱-۲-۴. نسخ در لغت.....
۲۲۶.....	۲-۲-۴. نسخ در اصطلاح.....
۲۲۹.....	۳-۲-۴. امکان نسخ.....
۲۲۹.....	۴-۲-۴. اقسام نسخ.....
۲۳۰.....	۵-۲-۴. لزوم شناخت ناسخ و منسوخ.....
۲۳۳.....	پی‌نوشت‌ها.....
۲۶۱.....	فصل ۵: ضوابط ناظر به حجیت دلالت قرآن.....
۲۶۱.....	۱. معنای نهایی قرآن.....
۲۶۶.....	۲. اصل حجیت ظواهر کتاب.....
۲۶۷.....	۱-۲. ظاهر.....
۲۶۷.....	۱-۱-۲. ظاهر در لغت.....
۲۶۷.....	۲-۱-۲. ظاهر در اصطلاح.....
۲۷۱.....	۲-۲. حجیت.....
۲۷۲.....	۳-۲. زبان قرآن.....
۲۷۳.....	۴-۲. سبک بیانی قرآن.....
۲۷۴.....	۱-۴-۲. عرف، مخاطب شارع.....
۲۷۸.....	۵-۲. بیان سه نکته.....
۲۸۲.....	۶-۲. بطن.....
۲۸۲.....	۱-۶-۲. استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد.....
۲۸۶.....	۲-۶-۲. دیدگاه‌های موجود در باب باطن قرآن.....
۲۸۶.....	اول. دیدگاه معناشناسانه.....
۲۸۸.....	دوم. دیدگاه وجودشناسانه.....
۲۹۳.....	۳-۶-۲. نقش بطون در استنباط حکم شرعی.....
۲۹۵.....	۷-۲. محدوده حجیت ظواهر.....
۲۹۶.....	۱-۷-۲. حجیت ظهور نسبت به غیرمقصودین بالافهام.....
۳۰۰.....	اول. حجیت ظهور نسبت به غیرمقصودین بالافهام در روایات.....

۳۰۵.....	۲-۷-۲. قرائن صارفه.....
۳۰۶.....	۳-۷-۲. درجات مختلف ظهور الفاظ کتاب از حیث ظهور و خفا.....
۳۰۸.....	۳. اصل عدم جدایی قرآن از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام
۳۰۹.....	پی‌نوشت‌ها.....
۳۲۳.....	نتیجه‌گیری.....
۳۲۸.....	پی‌نوشت‌ها.....
۳۲۹.....	یادداشت‌ها.....
۳۳۷.....	منابع و مأخذ.....
۳۳۷.....	منابع فارسی.....
۳۴۱.....	منابع لاتین.....
۳۴۱.....	منابع عربی.....
۳۷۷.....	نمایه.....

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
 وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
 (قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی‌های منحصر بفرد منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبیر در این کتاب الهی و بهره‌مندی از اصول آموزه‌های آن به مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر در ورای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت‌گری و بشارت‌دهندگی» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ - بخشی از سوره مبارکه الاسه آیه شریفه ۹)، «صدور حکمت» (وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ - سوره مبارکه یس، آیه شریفه «دارای کرامت» (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - سوره مبارکه الواقعة، آیه شریفه ۷۷) و مواردی از قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعه مستمر به این کتاب الهی و بهره‌مندی آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند متعال «قرآن کریم» را از این حیث جامع معرفی نموده و تصریح دارد که لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (قرآن کریم، سوره مبارکه الکهف، آیه شریفه ۵۴). این خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن کریم» برای تمامی صاحبان عقول سلیم می‌تواند راهنما باشد و قرآن از این منظر «هادی» و «روشن‌گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می‌گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان منتفی ساخت؛ در تمامی اعصار متنی معتبر و مستند را در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند به

اتكاء نماید؛ چنان که فرموده است: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ) (قرآن کریم. سوره مبارکه الحجر آیه شریفه ۹).

با این مبنا و با عنایت به سفارش‌های بیان شده از سوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام در خصوص ضرورت تمسک به قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام؛ ضرورت مطالعات قرآنی با استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای متناسب با نیازها و مسائل هر دوره‌ای، آشکار می‌گردد. دانشگاه امام صادق علیه‌السلام به‌عنوان نهادی که بر بنیادی خیر و نیکو و مطابق با آموزه‌های دینی تأسیس شده و چنان تعریف شده تا بر این اصل استوار بوده و بدین ترتیب از کثرت و انحراف دور باشد (أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ - قرآن کریم. سوره مبارکه التوبه، بخشی از آیه شریفه ۱۰۹). از حیث محتوایی، فلسفی و ساختاری در ارتباطی تنگاتنگ با قرآن کریم قرار دارد و توسعه مطالعات قرآنی و تلاش برای حاکمیت فرهنگ قرآنی (در پرورش نیروی انسانی، تربیت مدیران، تولید نظریه علمی و ...) تنها اولویت محوری دانشگاه به‌شمار می‌آید که تمامی سیاست‌ها در ذیل آن معنا می‌دهد. این رویکرد با هدف خروج قرآن کریم از مهجوریتی تعریف شده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیوسته نگران آن بوده و امت را نسبت به این پدیده خطرناک تحذیر می‌داند؛ باشد که با قرآن از در افتادن به گمراهی و کفر باز داشته شوند؛ «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الفرقان، آیه شریفه ۳۰).

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با هدف همراهی با این آرمان بلند و با انگیزه بهره‌مندی از هدایت‌های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ هم‌زمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات محدودی را با رویکرد تخصصی و میان‌رشته‌ای تعریف و به اجراء گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهره‌مندی جامعه علمی عرضه می‌گردد. ناشر ضمن تشکر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده‌اند؛ به‌ویژه پدیدآورنده محترم، امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه‌های قرآنی با بهره‌مندی از راهنمایی‌های ارایه شده از معصومین علیهم‌السلام، در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق، ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات

قرآنی را شامل می‌شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه الاسراء، بخشی از آیه شریفه ۸۲). در این راستا و همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آنها اعلام می‌دارد.

وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام *

www.ketab.ir

دیباچه

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن کریم یگانه منبع اطمینان بخش و مورد اعتماد در راستای شناخت احکام و تعالیم دین مبین اسلام نزد همه دانشمندان مسلمان در کلیه مذاهب اسلامی در طول تاریخ پربار فرهنگ اسلامی است و به تبع اصول، مسلکان قرآن تنها کتاب آسمانی قطعی الصدور است. تمامی فرق مسلمان بر این باورند که این کتاب عظیم دست‌خوش هیچ گونه تحریف و یا افزونی و کاستی نشده است و همگان بر لزوم رجوع به قرآن و استفاده بی‌کران از این آبشخور و سرچشمه عظیم احکام و تعالیم الهی متفق‌القول‌اند.

از دیرباز - و به‌ویژه از سده‌های دوم و سوم هجری - به دلیل گسترش حیطه علوم اسلامی و نیاز مسلمانان به فهم دقیق آیات قرآنی و استنباط احکام و بایدها و نبایدها از آن، دیدگاه‌ها - و به تعبیری روش‌ها و سلیقه‌های - گوناگون به مصنف ظهور درآمده و هریک طرفداران و پیروانی پیدا کردند. ظهور مکاتبی از قبیل مکتب معتزله و اشاعره و مرجئه و اخباری‌گری و محدثین، نقش به‌سزایی در گسترش و توسعه این سلاقی و دامن‌زدن به آن را ایفا کردند. روند این اختلاف آراء و انظار، گاه دچار افراط و تفریط گردیده به گونه‌ای که گروهی قرآن را یک‌جا کنار گذاشته و استنباط احکام از آن را ممنوع نموده و آن را ویژه ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌دانستند و گروهی دیگر استفاده نامحدود و بدون هیچ قید و شرط و برای همگان - اعم از دانشمند و یا کسی که اندک مایه علمی دارد - را مجاز می‌دانستند.

در این گیرودار و در بحبوحه تضارب آراء و سرگشتگی فکری و عقیدتی، ائمه

معصومین علیهم‌السلام به هدایت مسلمانان و روشن‌گری و ارائه راه صحیح و درست بهره‌وری از قرآن مبادرت ورزیدند. راه و روشی عقلایی و خدایستد که از هرگونه افراط و یا تفریط به دور بوده و صلاح و فلاح و سعادت دنیا و آخرت مسلمان را تضمین نماید و راه سوءاستفاده و یا کجروی و تکروی و اعمال آراء و انظار شخصی و استنباط‌های غیرمستدل و ثبات‌گرفته از حب و بغض شخصی مسدود شده و استفاده از منابع ظنی و سست و ضعیف همچون مصالح مرسله و سده ذرایع و عمل به رأی و قیاس و منابعی از این دست که هیچ‌گونه دلیل و پشتوانه علمی و عقلی ندارد، کنار گذاشته شود.

از آنجا که بررسی ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن از دیدگاه ائمه هدی علیهم‌السلام امری ضروری و حائز اهمیت فراوان برای دانشمندان و پژوهش‌گران و محققان در زمینه‌های علوم قرآنی و فقهی و اصولی و تفسیری است و به این مسأله کمتر توجه شده و یا به شکل پراکنده در رساله‌ها و کتاب‌ها اشاره شده است. نویسنده کتاب حاضر که تألیف جناب دوست فاضل و ارجمند آقای علی کریمی خوشحال است، در حد قابل توجهی توانسته پاسخگوی پرسش‌ها در این زمینه بوده و رهگشای بسیاری از ابهامات و ناشناخته‌ها و کشف روش و منابع ائمه معصومین علیهم‌السلام در تعامل با قرآن و نحوه بهره‌مندی و استنباط احکام از آن قرار گیرد.

کتابی که اکنون پیش‌روی ما است با یک مقدمه و دو فصل تدوین شده، که هر فصل دارای بخش‌های جداگانه‌ای است.

در مقدمه این کتاب به تعریف مسأله و پیشینه تاریخی و ضرورت تحقیق آن پرداخته است و در فصل اول کلیات و واژگان اصلی و اصلاحات به‌کاررفته در آن مورد کنکاش و تحقیق کامل و مبسوط قرار گرفته است. فصل دوم این کتاب نیز دربرگیرنده بحث اساسی ضوابط استنباط از دیدگاه اهل‌البیت علیهم‌السلام و آموزه آن بزرگواران در این زمینه و بیان مشروح و مبسوط آن است.

آنچه که برغناي موضوعات و مسائل مطروحه در این کتاب افزوده، اشراف و مراجعه نویسنده به منابع فراوان و گران‌سنگ شیعه و نیز متون و تألیفات اهل سنت است. امیداست إن شاء الله الرحمن این مجموعه ارزشمند که نتیجه زحمات خستگی‌ناپذیر و تلاش مجدانه و پیگیر نویسنده محترم آن است، مورد استفاده عاشقان علوم قرآنی و فقهی در حوزه و دانشگاه قرار گرفته و خداوند متعال بر توفیقات مؤلف بیفزاید.

گردآورنده این کتاب در دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۸۹ ه.ش در مقطع تحصیلات
کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی در دانشگاه امام صادق علیه السلام جزو دانشجویان
پرتلاش و اهل تحقیق اینجانب بوده و تلاش پیگیر و قابل ستایش و تقدیری در
خصوص موضوع کشف و بررسی ضوابط استنباط احکام از آیات قرآن کریم از دیدگاه
و منظر ائمه معصومین علیهم السلام انجام داده است.

محمود جمال‌الدین زنجانی
استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

مقدمه

۱. تعریف مسأله

قرآن برنامه زندگی و فقه مجموعه قوانینی است که روابط انسانی را در همه ابعادش اعم از رابطه او با پروردگار خویش، نفس خویش، در ارتباط با طبیعت و در ارتباط با انسان‌های دیگر را تنظیم می‌کند. آیاتی که به احکام فقهی و تکالیف عملی ارتباط دارد در علم فقه به آیات الاحکام نامیده شده‌اند. به عبارت دیگر، بر آن دسته از آیات قرآن اطلاق می‌شود که بیان‌گر احکام عملی اسلام باشند.

بحث درباره این بخش از آیات و تفسیر آن‌ها از قدیم‌ترین بخش‌های تفسیر است که مفسران و فقیهان از آغازین دوره‌های تفسیر و فقه به آن توجه کرده‌اند. استنباط احکام فقهی از آیات قرآن، سابقه در زمان نزول قرآن دارد و در همان عصر پیامبر ﷺ، صحابه برای به دست آوردن احکام عملی به قرآن روی می‌آوردند و سپس در زمان صحابه و تابعان این گرایش گسترده‌تر شد (نمونه‌های فراوانی از آن را متقی هندی گزارش کرده است^۱). در این مطلب شکی نیست که اهل بیت ﷺ آگاه‌ترین و آشناترین افراد به قرآن و همچنین به نیازهای انسان در طول زمان هستند. همان‌طور که روایات مستفیضه و حتی شاید متواتر در این زمینه بیان‌گر این مطلب خطیر نیز هستند.

از آنجا که قرآن کریم، پیش از همه، کتابی هدایتی تربیتی است و همه آنچه را که در هدایت انسان به سعادت حقیقی و جاودانه مؤثر است، بیان کرده، طرح مباحث فقهی در قرآن نیز با همین هدف متناسب است؛ لذا این امر سبب شده تا آیات الاحکام، ویژگی‌هایی متفاوت با کتاب‌های فقهی - حقوقی داشته باشد که از آن جمله است: بیان

احکام به گونه‌ای فشرده و در حدّ اشاره و کلی، بیان احکام به صورت پراکنده در سوره‌های گوناگون و جدا جدا. ویژگی دیگر اینکه قرآن به طور عام، احکام را به صورت نص و غیرقابل تردید بیان نکرده است؛ بلکه به گونه‌ای آورده که قابل برداشت‌های گوناگون است. در نتیجه، استناد به بسیاری از آیات، دچار مشکل و مدلول آنها ظنی الدلالة شده است.

نکته شایان ذکر دیگر این است که آیات الاحکام در لابه‌لای دیگر معارف قرآن قرار گرفته و میان آنها ارتباطی قوی ایجاد شده است و همین نوع بیان احکام، به شکلی جذاب همراه با ترغیب یا تهدید و انذار بوده است.

از جهت دیگر فتوا دادن از نظر امامان اهل بیت علیهم‌السلام کاری است بس خطیر و اگر پای استنباط از قرآن به میان آید، این حساسیت دو چندان خواهد شد؛ زیرا برای شناخت قرآن افزون بر آشنایی با زبان عرب، شناخت سبک و ویژه بیانی قرآن نیز ضرورت دارد. آشنایی کلی با جهان بینی قرآنی نیز شرط لازم دیگری برای درستی استنباط احکام از آن است. بنابراین تنها آشنایی با زبان عربی برای تفسیر قرآن و استنباط نظری آن کافی نیست، همان گونه که تنها آشنایی با برخی از دانش‌های مربوط به فهم استدلال، مثل منطق نیز در فهم آن کافی نیست. دانستن زبان عربی، قواعد استدلال، شناخت سبک ویژه قرآن و آشنایی با جهان بینی قرآنی از ارکان مهم فهم و استنباط احکام قرآنی است. از جمله مسائلی که در سیر پویایی فقه قرآنی می‌تواند مؤثر باشد و سهمی مهم را ایفا کند، دریافت و باورها نسبت به روایاتی است که در زمینه آیات فقهی قرآن صادر شده است و اینکه ائمه اطهار علیهم‌السلام در برخورد با آیات فقهی از چه روش‌هایی بهره می‌بردند و اینکه آیا تکیه ائمه علیهم‌السلام بر روش استظهاری بوده است یا کشف بطون؛ همان رویکردی که در تفسیر با آن مواجه هستیم.

نکته دیگری که باید بررسی شود این است که آیا روایاتی که برای آیات الاحکام، شرایط، نمونه‌ها و قیدهایی را یاد کرده، در صددند تا معنایی ثابت و تغییرناپذیر و مصادیقی جزمی را برای آیات ارائه دهند؛ یا روایات ارائه طریق استنباط کرده و نمونه‌ها را در اختیار می‌گذارند. به تعبیر دیگر آیا روایات در مقام تشریع احکام ثابت و جاودان هستند (که در این صورت تغییرناپذیر و غیرمتحول خواهند ماند) یا اینکه روایات در مقام تطبیق و هماهنگ ساختن هستند و راه این هماهنگ ساختن در هر زمان باز است و

عرف و فقیهان هر عصری وظیفه دارند تا آیات فقهی قرآن را بر واقعیت‌های جاری زمان خود هماهنگ ساخته و حکم حوادث و موضوعات را شناسایی کنند.

با توجه به مطالب ذکر شده به این نتیجه دست می‌یابیم که موارد بهره‌گیری هر چه بیشتر از قرآن می‌بایست مورد بررسی قرار گیرد، که از آن جمله است: نحوه برخورد ائمه معصومین علیهم‌السلام با آیات و بررسی روایاتی که از آن حضرات در زمینه آیات الاحکام به دست ما رسیده است و میزان کارکرد آنها و به دست آوردن نکاتی که در استنباطات فقها مورد بهره‌برداری صورت بگیرد. که در این بین نحوه استفاده از آیات الاحکام توسط ائمه معصومین علیهم‌السلام با توجه به شأن تفسیری و تبیین‌کنندگی آنان با توجه به آیات (آیه مس^۱) و روایات (روایت ثقلین^۲) از درجه اهمیت بالاتری برخوردار می‌باشند.

۲. ضرورت و پیشینه تألیف

چنانکه بحث درباره آیات احکامی و تفسیر آنها از قدیم‌ترین بخش‌های تفسیر است که مفسران و فقیهان از آغازین دوره‌های تفسیر و فقه به آن توجه کرده‌اند. استنباط احکام فقهی از آیات قرآن، سابقه در زمان نزول قرآن دارد و در همان عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، صحابه برای به دست آوردن احکام عملی به قرآن روی می‌آوردند و سپس در زمان صحابه و تابعان این گرایش گسترده‌تر شد. پس از دوره غیبت شرایط یکسان نماند. عوامل گوناگون، در تأثیرپذیری فقه از قرآن اثر گذارد. گرچه در تاریخ فقه، بزرگوارانی هستند که این الفت را جست‌وجو کرده‌اند و در راه آن، تلاش‌ها ورزیده‌اند، اما این همت و حمیت، چهره غالب نیافت و فقه شیعی را (فقه قرآنی) نماند. در اصول و فقه، حدیث حرمت اصلی داشت. در حاشیه احادیثی چون حدیث رفع، استصحاب و... هزاران ورق نگاشته شد، رساله‌ها و کتاب‌ها تنظیم گشت، اما در استنباط از آیات فقهی، کاوشی شایسته انجام نگرفت. لذا از جمله مسائلی که در سیر پویایی فقه قرآنی می‌تواند مؤثر باشد و سهم مهمی را ایفا کند، دریافت و باورها نسبت به روایاتی است که در زمینه آیات فقهی قرآن صادر شده است و اینکه ائمه اطهار علیهم‌السلام در برخورد با آیات فقهی از چه روش‌هایی بهره می‌بردند و اینکه آیا تکیه ائمه علیهم‌السلام بر روش استظهاری بوده است یا کشف بطون؛ همان رویکردی که در تفسیر با آن مواجه هستیم. بنابراین، برای دریافت احکام از قرآن کریم هم باید به دیدگاه خاص قرآن‌شناسانه مسلح بود و هم به فهم جهان‌بینی قرآنی و نیز باید به مراجعی تکیه داشت که قرآن در خانه آنان نازل شده

است، بدین منظور است که دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام را درباره آیات الاحکام با دقت مورد پژوهش قرار می‌دهیم تا دریابیم اسوه‌های ما با توجه به چه ضوابطی احکام را از قرآن استنباط می‌کرده‌اند، تا از آنان الگو بگیریم.

در این زمینه مباحثی در اصول فقه و مباحث علوم قرآنی مطرح شده است، اما میزان استناد این مباحث به ائمه معصومین علیهم‌السلام مشخص نیست. شاید هم اصولیون ما تمام این مباحث را از دل روایات استخراج کرده باشند، اما ایشان متأسفانه مستندات خود از روایات را بیان نکرده‌اند تا احیاناً دانشجوی این رشته بتواند زمینه نقد این نظریات را در خود به‌وجود آورد. همچنین میزان دخیل بودن آنها در مسیر استنباط، آن هم از قرآن کریم، به روشنی بیان نشده است.

مباحثی همچون مفاهیم و انواع دلالت‌ها که در اصول فقه مطرح می‌شود، برای دانشجوی این رشته هیچ جایگاهی در مسیر استنباط احکام از قرآن و حدیث ندارد و به‌طور کلی فقط به ظاهر قرآن و حدیث نظر می‌افکنند. غافل از اینکه این قبیل از مباحث در کشف اصول و قواعد احکام کلی‌ای که خود پاسخ‌گوی بسیاری از سؤالات فرعی هستند، کمک فراوانی به فقیه می‌کند.

اینجاست که به اهمیت این حدیث از امام صادق علیه‌السلام می‌رسیم که می‌فرماید: «هیچ امری نیست که دو نفر در آن اختلاف نظر داشته باشند، جز آنکه برای آن در کتاب خدا ریشه و بنیادی است ولی عقل‌های مردم به آن نمی‌رسند»^۱

۳. سؤالات تألیف

سؤالات اصلی تحقیق عبارتند از:

۱. ائمه علیهم‌السلام با توجه به چه ضوابط و پیشنیازهایی به سراغ استنباط از قرآن به ویژه آیات احکامی می‌رفتند؟

۲. ائمه علیهم‌السلام در استنباط از آیات الاحکام بر ظواهر قرآن تکیه داشته‌اند یا به بطون نیز نظر دارند؟ و در صورت تکیه بر ظواهر، می‌توان برای اثبات حجیت ظواهر قرآن به این سیره تمسک نمود؟

۳. محدوده حجیت ظواهر با توجه به سیره معصومین علیهم‌السلام تا چه اندازه است؟

۴. روایات وارده در زمینه آیات الاحکام از نظر بیان معنای ثابت یا اراانه طریق استنباط بیان‌گر چه چیزی می‌باشند؟

۴. فرضیه‌ها

۱. بررسی نکات روشی ائمه علیهم‌السلام در استنباط از قرآن نشان می‌دهد که ظواهر قرآن برای همه افراد اهل فن، حجت است.

۲. نگرش فقهی به قرآن، بایستی از محدوده آیات معروف به (آیات الاحکام) گذر کند و قلمروی گسترده‌تری را دربرگیرد. امامان شیعه، از آیات مختلف با مضامین اعتقادی، اخلاقی، تاریخی و... بهره‌برداری‌های فقهی کرده‌اند و در بایدها و نبایدها عملی از آن مدد جست‌اند.

۳. حجیت ظواهر قرآن از جهت ظهور و خفا دارای درجات متعددی می‌باشد که با توجه به اشخاص و میزان آشنایی آنها با زبان قرآن متفاوت می‌شود.

۴. روایات در مقام تطبیق و هماهنگ ساختن هستند نه در مقام تشریع احکام ثابت و جاودان و راه این هماهنگ ساختن در هر زمان باز است و عرف و فقیهان هر عصری این وظیفه را برعهده دارند.

۵. روش انجام تألیف

روش گردآوری اطلاعات در این کتاب، اسنادی کتابخانه‌ای است. در این روش با فیش‌برداری دستی و الکترونیکی و با استفاده از منابع مکتوب و الکترونیکی متن و مستدل، به روش تحقیق کیفی (توصیفی، تحلیلی) به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم.

۱. علی متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۲، (بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق)، صص ۴۰۰ و ۵۲۷، ج ۵، ص ۴۸۲، ج ۱۱، صص ۷۹ و ۸۰، ج ۱۶، ص ۵۳۷.

۲. «لَا يُمْسَهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ؛ جز پاکان کسی از آن آگاه نیست.» الواقعة: ۷۹.

۳. پیامبر اکرم می‌فرماید: میراث رسالت من دو وزنه وزین است: یکی کتاب خدا و دیگری عترت طاهرين؛ و این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد، تا در کنار حوض کوثر با هم بر من وارد شوند و شما نیز اگر به این دو وزنه وزین تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَسَكَّمْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي وَأُحَدِّثُمَا أَكْبَرُ مِنْ الْآخِرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي آلَا وَ إِنْهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ».

۴. «مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلِفُ فِيهِ اثْنَانِ إِلَّا وَ لَهُ أَصْلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ لَا تَبْلُغُهُ عُقُولُ الرِّجَالِ»؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، (تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ پنجم ۱۳۶۳ش)، ص ۶۰.